

**A Study of the Young and Middle-Aged Generations' Perception of Freedom in Iran
(Case Study: Citizens of Rasht)¹**

Zahra Pourrahnama

MSc in Social Science Research, Koushyar Non-Governmental and Non-Profit Institute,
Rasht, Iran

Reza Alizadeh²

Assistant Professor in Research Institute of Guilan Studies, University of Guilan, Rasht,
Iran

Mohammadreza Gholami Shekarsaraee

Associate Professor of Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Human
Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran

Accepted: 1 December 2023 Revised: 1 November 2023 Received: 3 June 2023

Abstract

The article aims to explore the perception of freedom among two generations, young and middle-aged citizens of Rasht, by drawing on the theories of Ronald Inglehart and Isaiah Berlin. According to Berlin's theory, freedom is a crucial element in the context of values, personal rights, and the private and social lives of individuals. Furthermore, based on Inglehart's theory, generational shifts and changes in values give rise to diverse perspectives in various domains among citizens. The article employs a quantitative research method, and data collection is conducted using a questionnaire. Accordingly, a sample of 384 participants was selected through random cluster sampling from the young group aged 18–29 years and the middle-aged group aged 40–49 years. According to the findings, the mean perception of freedom in the younger generation and the middle-aged generation were 2.60 and 2.63, respectively. Both scores are slightly above the average, but there is a minor difference between the two groups. However, the perception of individual freedom was slightly higher in the middle-aged group. Social capital levels were not significantly different between the two groups, while feelings of

1. Extracted from a Master's thesis submitted to Koushyar Non-profit and Non-governmental Higher Education Research Institute, Rasht, Iran

2. Corresponding Author. Email: rezaalizadeh@guilan.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Pourrahnama, Z., Alizadeh, R. and Gholami Shekarsaraee, M. (2024). A Study of the Young and Middle-Aged Generations' Perception of Freedom in Iran (Case Study: Citizens of Rasht). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(4), 1-30. doi: 10.22067/social.2023.82685.1356

social deprivation were slightly higher in the middle-aged group, though the difference was not statistically significant. The average religiosity score was 3.13 for the younger generation and 3.55 for the middle-aged group, which are both above average. This suggests a statistically significant in religiosity between the two generations, which is generalizable to the statistical population. Based on the results of multiple regression analysis, the variables of social deprivation, social capital, and religiosity explain 24% of the variation in the perception of freedom, with religiosity exerting the highest direct impact on this perception.

Keywords: Freedom, Generational Difference, Social Capital, Social Deprivation.



بررسی طرز تلقی دو نسل جوان و میانسال از آزادی در ایران (مورد مطالعه: شهروندان شهر رشت)^۱

زهرا پوررهنما (کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، مؤسسه غیرانتفاعی و غیردولتی کوشیار، رشت، ایران)

hedie.purrahnama@gmail.com

رضا علیزاده (استادیار پژوهشکده گیلان شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول)

rezaalizadeh@guilan.ac.ir

محمد رضا غلامی شکارسرای (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت،

ایران)

mgholami2014@guilan.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی تلقی دو نسل جوان و میانسال از آزادی در شهروندان شهر رشت با استفاده از نظریات رونالد اینگلهارت و آیزیا برلین تدوین شده است. براساس نظریه برلین آزادی به عنوان عنصری مهم در بافت ارزش‌ها، حقوق شخصی و زندگی خصوصی و اجتماعی افراد جای دارد. همچنین بر پایه نظریه اینگلهارت با توجه به دگرگونی ارزش و تغییر نسلی تفاوت دیدگاه در حوزه‌های مختلف بین شهروندان شکل می‌گیرد. مقاله حاضر از لحاظ روش، در زمره پژوهش‌های کمی قرار دارد و داده‌های پژوهش به وسیله پرسش‌نامه و با حجم نمونه ۳۸۴ نفر و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی در نسل جوان با محدوده سنی ۱۸-۲۹ ساله و میانسال با محدوده سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله جمع‌آوری شده است. طبق یافته‌های پژوهش، میانگین تلقی از آزادی در نسل جوان ۲.۶۰ و در نسل میانسال ۲.۶۳ بوده و هر دو نمره کمی بالاتر از عدد میانگین است و بر این اساس تفاوت اندکی در دو نسل وجود دارد، هرچند تلقی از آزادی فردی در نسل میانسال کمی بیشتر از نسل جوان است؛ اما میزان سرمایه اجتماعی در دو نسل تفاوتی ندارد. احساس محرومیت اجتماعی در نسل میانسال اندکی بیشتر از نسل جوان است و تفاوت احساس محرومیت اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال معنادار نیست. میانگین دینداری در

۱. مقاله استخراج شده از پایان نامه کارشناسی ارشد ثبت شده از موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی کوشیار، رشت، ایران.

نسل جوان با نمره ۳.۱۳ و در نسل میانسال نمره ۳.۵۵ بالاتر از میانگین است؛ به عبارتی تفاوت دینداری در دو نسل جوان و میانسال معنادار بوده و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. براساس نتایج رگرسیون چندگانه متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری ۲۴ درصد از تغییرات متغیر تلقی از آزادی را تبیین می‌کنند و متغیر دینداری بیشترین اثر مستقیم را بر تلقی از آزادی دارد. **واژگان کلیدی:** آزادی، تفاوت نسلی، سرمایه اجتماعی، محرومیت اجتماعی.

۱. مقدمه

مسئله آزادی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان در طول تاریخ فکری و اجتماعی زندگی بشری بوده است. هر یک از متفکران به اشکال گوناگون تلاش کرده‌اند به تعریف و تبیین حدود و ثغور امر آزادی در عرصه عمومی و زندگی خصوصی بپردازند (خواجه سروی و نادری، ۱۳۹۲: ۲).

مفهوم آزادی در اندیشه مدرن با فردیت و آزادی‌های فردی همراه بوده و بدین وسیله هیچ یک از آیین‌های بی‌شمار و بسیار ستودنی‌ای که در جمهوری‌های باستانی مزاحم آزادی فردی بودند، در روزگار مدرن پذیرفتنی نیستند (کنستان، ۱۳۸۸: ۹۷). آزادی مفهومی است که در آموزه‌های اجتماعی گوناگون به شیوه متفاوتی تفسیر شده است؛ متفکران لیبرال همچون جان استوارت میل^۱ و توکویل^۲ در قرن نوزدهم و اخلاف آن‌ها در قرن بیستم آزادی را در برابر حکومت‌ها تعریف می‌کردند. باین حال همه آن‌ها تصدیق می‌کردند که برخی محدودیت‌های ضروری که عمدتاً قانون تعیین می‌کند، برای حفظ انسجام اجتماعی، عدالت و سایر ارزش‌ها لازم است (آتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۳). البته هنوز این مفهوم یکی از مسائل مهم در عرصه تئوری و عمل در میان روشنفکران و کنشگران ایرانی است و هر پدیده تا زمانی که افراد جامعه در مورد آن دچار چالش‌های ذهنی هستند، ظرفیت لازم برای مطالعه و تحقیق را دارد. از آنجایی که هنوز دستیابی به آزادی در جامعه ما یک مسئله به حساب می‌آید، بررسی و تحقیق علمی

1. John Stuart Mill
2. Tocqueville

در مورد آن ضروری است. تاریخ نشان می‌دهد که مردم ایران در طول یک قرن اخیر هزینه‌های فراوانی برای دستیابی به آزادی پرداخت کرده‌اند؛ اما راه‌هایی که نخبگان سیاسی در گذار به آزادی و دموکراسی تجربه کرده‌اند، نه تنها منجر به نهادینه شدن ساختار دموکراتیک نشده؛ بلکه هر بار شکل جدیدی از اقتدارگرایی باز تولید گردیده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۹؛ ۱۴۰۲). جامعه ایران به‌ویژه در دو مرحله انقلاب سال ۱۳۵۷ و پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق دچار تغییرات ارزشی و اجتماعی عظیمی شده است و این تغییرات برای هر یک از نسل‌های بعد از وقوع انقلاب، تجربه‌های منحصر به فردی به وجود آورده است. بدین ترتیب هر کدام از نسل‌ها تجربه زندگی اجتماعی-سیاسی متفاوتی را پشت سر گذاشتند و این پیشینه منحصر به فرد نسل‌ها منجر به نگاه متفاوت در مسائل سیاسی و اجتماعی شده است. نسل میانسال شاهد ۸ سال جنگ تحمیلی، افزایش میزان مولید، بحران‌های سیاسی و اجتماعی، اختلال در فرایند تعلیم و تربیت و از میان رفتن زیر ساخت‌ها، بحران‌های امنیتی، کاهش کیفیت زندگی به سبب کمبودهای فراوان بود؛ اما نسل جوان شاهد رشد نسبی امکانات، ورود تکنولوژی‌های مختلف مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیوستن به ارزش‌های جهانی است (آزاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ جاویدی، ۱۴۰۰؛ رهبر و همکاران، ۱۳۹۹؛ زهیری، ۱۳۹۸؛ طالبان و همکاران، ۱۳۹۶). به طوری که در کتاب *نسل/یکس؛ مقایسه بین جوانان ایران، مصر، ترکیه، آمریکا، کانادا و انگلستان* نشان داد که جوانان ایرانی نسبت به سایر کشورها حساسیت بیشتری به سیاست، گفت‌وگوها و بحث‌های سیاسی دارند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۱). طبعاً با وجود تجربه تمامی این تغییرات دیدگاه نسل‌های مختلف نسبت به مفاهیم مرتبط با زندگی اجتماعی و سیاسی متفاوت است. در همین راستا اینگلهارت^۱ جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی را به‌طور بالقوه فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع وقتی پدید می‌آید که نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسالان یک جامعه شود. همچنین

1. Inglehart

پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، انتظار می‌رود بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی حاصل شود. از لحاظ نظری کسانی بیشترین اولویت را به این دسته از ارزش‌ها می‌دهند که تحت اوضاع نسبتاً امنی پرورش یافته باشند. اینگلهارت بر اساس نتایج حاصل از مطالعات تجربی انجام شده اذعان می‌دارد که از لحاظ تجربی روابط مورد انتظار ارزش‌ها با پس‌زمینه اجتماعی مشخص می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

همچنین برلین^۱ نیز یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فکری مدرنیته را، پیش کشیدن اندیشه آزادی برای همه افراد جامعه می‌داند. برلین از حیث دیرینه‌شناختی، اندیشه آزادی فردی را از دستاوردهای تمدن سرمایه‌داری به شمار می‌آورد (برلین، ۱۳۶۸). بنابراین انتظار می‌رود بر پایه نظریه اینگلهارت تلقی از آزادی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت باشد و براساس نظریه برلین آزاد زیستن و آزادی یکی از خواسته‌های بنیادی و جدی انسان دنیای مدرن بوده که در آن حق محوری در برابر تکلیف محوری، آزادی‌های مدنی و تفکیک حوزه عمومی و خصوصی در اذهان نسل‌های مختلف ایرانی در دهه‌های اخیر جای گرفته است. جامعه ایران خصوصاً جوانان نیز در گذر از سنت به مدرنیته می‌خواهند راه زندگی خویش را بیابند و به دنبال سبک زندگی و تلقیات متفاوت از نسل‌های گذشته هستند. تجربه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی (وسیله‌ای که برای نسل گذشته وجود نداشت) و افزایش میزان علم و دانش جوانان موجب شده که تلقیات متفاوتی نسبت به مفاهیم خصوصاً مفهوم آزادی به وجود آید. بر همین اساس مقاله حاضر ضمن توصیف تلقی دو نسل جوان و میانسال از آزادی (فردی، جمعی، رسانه و مطبوعات) به تبیین رابطه آن با احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری در دو نسل جوان و میانسال می‌پردازد.

1. Berlin

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

آزاده و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تفاوت‌های سه نسل انقلاب اسلامی نسبت به ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی» به بررسی تفاوت‌های سه نسل انقلاب اسلامی پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش کمی و تکنیک پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه با حجم نمونه ۴۵۰ بین شهروندان تهرانی انجام پذیرفت. داده‌های به دست آمده نشان داد که ارزش‌ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بین سه نسل دارای تفاوت معنی‌داری است. نسل سوم در ارزش‌های اقتصادی متفاوت از نسل‌های دوم و اول است. نسل سوم و نسل دوم در ارزش‌های اجتماعی متفاوت از نسل اول هستند. ارزش‌های فرهنگی در بین سه نسل دارای تفاوت معنی‌داری است.

رهبر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین تفاوت نسلی در جامعه امروز ایران بر پایه ارزش‌های هویتی» با استفاده از روش تحلیل گفتمان پدیدارشناسانه به بررسی تفاوت نسلی در ایران پرداخته است. شاخص مورد مطالعه در پدیده تفاوت یا گسست نسلی «تفاوت در تفسیر و برداشت از ارزش‌ها» است. نتایج نشان داد مفاهیمی مانند فردیت‌گرایی، مدرن‌گرایی، ذهنیت مقایسه‌گرا، عدم کاربست ابزارهای انتقال ارزشی کارآمد، رفتار فراغتی، لذت‌خواهی، استقلال‌طلبی و ناهمخوانی در خانواده از جمله مفاهیم هسته‌ای هستند که موجب پدید آمدن تفاوت در نگرش و تفسیر نسبت به ارزش‌ها در دو نسل جوان و بزرگسال شده است. علاوه بر تفاوت‌ها، اشتراکات مفهومی مانند عدم رضایت از وضعیت موجود، نفوذ رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در دو نسل وجود دارد. طالبان و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «نگرش به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی: شکاف نسلی یا تفاوت نسلی» نحوه نگرش والدین و فرزندان نسبت به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی را هدف پژوهش خود قرار داده‌اند. در این تحقیق ابتدا ارزش‌های سیاسی انقلاب بر اساس دیدگاه حضرت امام (ره) مفهوم‌سازی و هفت بُعد برای آن مدنظر قرار گرفته است (این ابعاد عبارتند از: آزادی و نسبت دین با رأی

مردم، وحدت اسلامی، تکلیف‌گرایی و رابطه آن با نتیجه‌گرایی، استقلال و عدم دخالت بیگانگان، پیوند دین و سیاست، استکبارستیزی و حمایت از گروه‌های مبارز انقلابی و حمایت از محرومین و مستضعفین در سرتاسر جهان). سپس داده‌های تحقیق که از بین جوانان ۱۷-۲۵ ساله شهر ایلام به همراه والدین‌شان به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای جمع‌آوری شده بود، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که از بین هفت بُعد مذکور، فقط در بُعد آزادی بود که تفاوت معناداری بین والدین و فرزندان‌شان از حیث تعلق به این ارزش‌ها وجود نداشت و در سایر ابعاد، تفاوت معناداری در میزان تعلق والدین و فرزندان‌شان به این ارزش‌ها وجود داشت، بدین ترتیب که والدین در مقایسه با فرزندان‌شان تعلق بیشتری به این ارزش‌ها داشته‌اند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان دادند که علی‌رغم تفاوت‌های موجود در تعلق والدین و فرزندان تفاوت نسلی عنوان مناسب‌تری برای بازنمایی یافته‌های این تحقیق می‌باشد.

رشکایا و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «برداشت از کارکردهای دین و نگرش به آزادی دینی: معرفی شاخص‌های جدید کارکردهای دین» شاخص‌های جدید کارکردهای دین و ارتباط آن‌ها را برای تبیین تفاوت‌های فردی در نگرش نسبت به آزادی مذهبی مورد بررسی قرار می‌دهند. ایده اصلی مقاله این است که بین گشودگی نسبت به اصول آزادی دینی و برداشت از کارکردهای دین در جامعه ارتباط وجود دارد. تحلیل داده‌های ارائه شده توسط ۱۰۳۵ دانش‌آموز در شمال ایتالیا، نشان داد که بین نگرش مثبت‌تر نسبت به آزادی مذهبی با مفهوم‌سازی دین به‌عنوان راهنمایی اخلاقی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. مک‌کنا و فرانسیس^۲ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «نگرش مسلمانان نسبت به آزادی پوشش و نمادهای مذهبی در مدارس بریتانیا؛ تأثیر عوامل مذهبی و الهیاتی» با تکیه بر داده‌های ارائه شده توسط ۳۳۵ دانش‌آموز مسلمان ۱۳ تا ۱۵ ساله از انگلستان، ایرلند شمالی، اسکاتلند و ولز، به بررسی تأثیر عوامل مذهبی و الهیاتی بر نگرش نسبت به آزادی پوشاک مذهبی پرداختند. تحلیل‌های رگرسیون نشان می‌دهد که عوامل الهیاتی درصد قابل توجهی از واریانس در نگرش افراد را توضیح می‌دهد. همچنین درک فهم

1. Breskaya

2. McKenna & Francis

کلامی دانشجویان مسلمان به اندازه درک عمل دینی آنان اهمیت دارد. شیخالجف (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش مذهبی تأثیرگذار بر نگرش‌های دانش‌آموزان: تهدیدی برای آزادی؟» نگرش دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۶ ساله استونیایی را نسبت به تنوع مذهبی و نقش مدرسه در ترویج گفت‌وگو و تساهل میان نمایندگان جهان‌بینی‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه نشان می‌دهد که تجربه آموزش دینی ممکن است به نگرش‌های بازتر در بین دانش‌آموزان، چه دانش‌آموزان برخوردار از جهان‌بینی مذهبی و چه برخوردار از جهان‌بینی سکولار کمک می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که برای تقویت مدارا، علاوه بر دانش در مورد ادیان، به یک رویکرد انعکاسی و تماس با نمایندگان جهان‌بینی‌ها و ادیان مختلف نیاز است. امین^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «آزادی به مثابه ارزش در رسانه‌های عربی؛ درک و نگرش روزنامه‌نگاران نسبت به آزادی» به بررسی توسعه آزادی مطبوعات و سانسور در مصر و جهان عرب می‌پردازد. علاوه بر این، الگوهای تأثیر بر آزادی مطبوعات و تأثیر آنها بر روزنامه‌نگاران عرب را مورد بحث قرار می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که آزادی مطبوعات در کشورهای عربی و عملکرد روزنامه‌نگاران عرب هنوز از سوی یک فرهنگ سیاسی سانسوری مورد تهدید قرار دارد؛ فرهنگی که در محیطی که معمولاً تحت سلطه یک حزب سیاسی واحد است، توسعه می‌یابد. سانسور آشکار و خودسانسوری امروزه در رسانه‌های خبری عرب و برنامه‌های آموزش روزنامه‌نگاری رایج است، همان‌طور که خود رسانه‌ها در واقع در یک شرکت ملی برای تولید تبلیغات استخدام شده‌اند.

مقالات بررسی شده نشان داد که در زمینه‌های مورد مطالعه تفاوت نسلی بین جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود. در تحقیقات از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است و نکته آخر آنکه تفاوت نسلی فارغ از شهرها در ایران گسترش یافته است؛ اما مقاله حاضر تلاشی است برای آزمون نظریه برلین و رویکرد نسلی اینگلهارت در دو گروه مختلف سنی در شهر رشت که نتایج آن می‌تواند به توسعه این حوزه مطالعاتی کمک زیادی نماید.

1. Schihalejev
2. Amin

۲.۲. چارچوب نظری پژوهش

بینش اینگلهارت، پایه نظری عملی بسیار سودمندی برای بررسی تغییر نظام ارزشی نسل‌ها در اثر وقوع تغییرات تکنولوژیکی و اقتصادی در جوامع درگیر این تغییرات به دست می‌دهد. وی برای تبیین دگرگونی‌های ارزشی و فرهنگی در کشورهای جهان دو فرضیه را مطرح می‌کند: (۱) فرضیه کمیابی: بر این اساس اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی وی است. شخص بیشترین ارزش‌ها را برای چیزهایی قائل است که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است. اینگلهارت بر این باور است که جهان‌بینی مردم کشورهای ثروتمند با جهان‌بینی مردم جوامع دارای درآمد پایین تفاوت‌های اساسی دارد. (۲) فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات میان محیط اجتماعی و اقتصادی و اولویت‌های ارزشی یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست؛ بلکه یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد؛ زیرا ارزش‌های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است. این دو فرضیه با هم، مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند؛ درحالی‌که فرضیه کمیابی بر این دلالت دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های جامعه یک شبه تغییر نمی‌کند. برعکس، دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۶۲).

اینگلهارت و همکارانش در نظریه دگرگونی ارزشی به جابه‌جایی اولویت‌های مادی با اولویت‌های فرامادی اشاره می‌کنند که فرایند جهانی بالقوه‌ای است. این جابه‌جایی در هر کشوری که از ناامنی اقتصادی و جانی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند باید روی دهد. این امر به روشنی نشان‌دهنده رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۳). او تغییر ارزش در جوامع غربی را پیامد غیرارادی کامیابی اجتماعی - اقتصادی افزایش یافته می‌داند و معتقد است که کامیابی اقتصادی افزایش یافته به برآورده شدن نیازهای بنیادی در طول فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد می‌انجامد (سال‌های آخر نوجوانی) که باعث می‌شود

ارزش‌های ماتریالیستی کمتری به نسل بعد انتقال یابد. براین مبنا اینگلهارت به تأثیر قشریندی اجتماعی توجه می‌کند. به نظر می‌رسد خانواده‌های ثروتمند، جوانان ماتریالیست کمتری را نسبت به خانواده‌های فقیر پرورش می‌دهند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۵). اینگلهارت تغییرات را در سطح گسترده‌تری با توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی مرتبط می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵).

آیزایا برلین هم سیاست را جزئی از فلسفه اخلاق می‌شمرد و تحلیل و درک جنبش‌ها و حرکت‌های سیاسی را با شناخت عقاید فلسفی و اخلاقی که توسط آن جنبش‌ها به وجود می‌آیند و دوران خاصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ممکن می‌داند. او فهم ویژگی‌های هر دوره تاریخی را به درک و شناخت از نزاع‌های فکری آن دوره ربط می‌دهد. به نظر او یکی از مسائلی که موجب اختلاف‌های فکری شده، مسئله آزادی است. فلسفه سیاسی برلین تکثرگرایی ارزشی است و به همین دلیل است که در مطالعه تاریخ اندیشه‌ها به سراغ اندیشمندانی رفته است که در تخریب وحدت‌گرایی ارزشی در سنت روشنگری غرب نقشی داشته‌اند (بشیریه، ۱۳۸۶: ۹۷). برلین تعاریف جدیدی را از دو بعد آزادی مثبت و منفی ارائه می‌نماید. آزادی ایجابی به مفهوم این است که انسان نخست زمانی به آزادی می‌رسد که شرایط خاصی را تأمین کرده باشد. آزادی چیزی است که برای نیل به آن باید تلاش کرد. چیزی که انسان باید صلاحیت داشتن آن را به دست آورد؛ بنابراین آزادی امکانی نیست که به همه صرف‌نظر از ماهیتشان اعطا شود. بنا به باور برلین این برداشت از آزادی که انسان نخست زمانی می‌تواند آزاد باشد که از پس آزمایش برآمده باشد، نامعقول است. از دیدگاه برلین هیچ کس نمی‌تواند آزادی ایجابی را جزء مقولات آزادی بگنجاند؛ بنابراین به جای آن باید بدیلش یعنی آزادی سلبی را جایگزین کرد. آزادی سلبی عرصه‌ای را مشخص می‌کند که در آن افراد و گروه‌ها اجازه دارند که بدون دخالت دیگران هر طور که می‌خواهند باشند یا هر کار که می‌خواهند انجام دهند (لیدمان، ۱۳۸۴: ۲۶). نکته مشترکی

که در اندیشه آیزیا برلین و کارل پوپر وجود دارد، اعتراض آنان به هگل و مارکس است که هر دو فیلسوف را عامل سلب آزادی و اختیار از انسان می‌دانند. تاریخ پرستی هگل و مارکس جای اعتراض دارد؛ زیرا پاسخ چرایی اعمال بشر را با توسل به رابطه علت و معلول می‌دهد و در نتیجه منکر اختیار برای آدمی می‌شود و مورخان را تشویق به شانه خالی کردن از بار این مسئولیت می‌کند (مهتا، ۱۳۶۹: ۱۲۸).

برلین آزادی مثبت را مبتنی بر خودمختاری عقلانی می‌داند؛ یعنی آزادی اراده‌ای که براساس واقعیت‌های موجود فرد با اتکاء بر قدرت عقلانی وابسته به دیگران رقم می‌خورد. آزادی مثبت آزادی که بر شیوه عقلانیت باشد و عملی که عقلانی است، پیرو تفکر و اختیار دیگران است، پس آزادی مثبت در عمل به معنای پیروی از عموم می‌باشد که به فرد گفته می‌شود چگونه باش! در حقیقت آزادی به فرد تحمیل می‌شود. آزادی مثبت همه افراد در نقطه شروع از امکانات برخوردار می‌باشند. در این تغییر معنایی، آزادی به واسطه چهار عامل صورت گرفته است؛ نخست آنکه همه انسان‌ها یک هدف دارند. دوم، غایت همه موجودات عقلانی و بایستی در چارچوب عموم و واحدی هماهنگ صورت گیرد. سوم، نزاع اصلی بین اصول عقلانی و غیرعقلانی و چهارم آنکه وقتی همه انسان‌ها خردگرا باشند، از قواعد عقلانی پیروی کرده و این قاعده در همه مردم یکسان است و همه تابع عقل و آزادی می‌باشند. آزادی مثبت اول به معنای خودمختاری فردی و دوم به مفهوم عمل بر حسب مقتضیات عقل و سوم به معنای حق مشارکت در قدرت عمومی به کار رفته است. معنای مثبت آزادی از خواست فرد برای خودمختاری برمی‌خیزد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۰۷). در نگاه برلین آزادی منفی اساس و پایه دموکراسی است.

آزادی منفی چیزی است که حدود آن را در هر مورد نمی‌توان به آسانی مشخص کرد. در ظاهر چنین می‌نماید که آزادی منفی به‌طور ساده همان مختار بودن انسان در گزینش و انتخابی است که در سر هر دو راهی صورت می‌دهد؛ لیکن هر انتخابی از روی اختیار نیست یا دست کم درجات اختیار از یک انتخاب تا انتخاب دیگر فرق می‌کند (برلین،

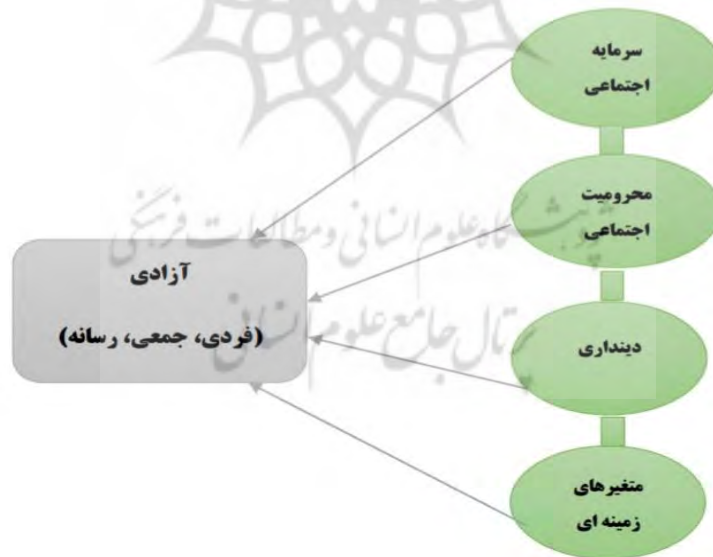
مقصودم از آزادی منفی فقدان موانعی بود که جلو عمل انسان را بگیرند. دامنه آزادی منفی به شدت و ضعف موانع ساخته بشر بستگی دارد؛ یعنی به اینکه من تا چه درجه آزادم در فلان راه پیش بروم بی آنکه نهادها یا انضباطهای ساخته بشر، یا فعالیت‌های اشخاص خاص، مانع من از این کار شوند (برلین، ۱۳۹۰: ۲۷). همچنین آزادی منفی قلمروی از کنش فردی است که در آن صاحبان قدرت حق ندارند، فرد را از کار دلخواهش بازدارند یا به کاری که نمی‌خواهند، وادارند (بویو، ۱۳۷۶: ۲۹). برلین انسان را محور و هسته اصلی عقاید خود قرار می‌دهد. او اعتقاد دارد که آدمی می‌تواند در مقابل تاریخ بایستد. انسان آنقدر آزاد و صاحب اختیار است که هیچ قدرتی یارای مقابله با او نیست؛ در واقع بشر تاریخ را به زیر دستان خود کشانده و به حوزه عمل خویش تبدیل کرده است (اشرف‌نظری، ۱۳۹۱: ۳۵۷). برلین با تفکرات خود سعی کرد تا به طریقی آزادی را به دو شق متفاوت تقسیم نماید؛ از سویی آزادی مثبت وجود دارد که به توتالیتراریسم و استبداد ختم می‌شود؛ و از طرف دیگر آزادی منفی که به لیبرالیسم و آزادی واقعی منجر می‌شود. آزادی مثبت به پیروی از عقل که به تبعیت از دیگران ختم می‌شود و خود پایه‌گذار حکومت‌های فاشیستی است و آزادی منفی که به دور از مداخله خودسرانه دیگران و یا هر فشاری تبیین می‌گردد و آزادی واقعی در آن نهفته است (لیدمان، ۱۳۸۴: ۲۹).

برلین می‌گوید با اینکه دو معنای آزادی در اهداف خود کاملاً متفاوت هستند و به صورت مبنایی با هم اختلاف دارند؛ ولی باید بین آنها نوعی سازش ایجاد کرد، زیرا مطالبات هر دو چه از لحاظ تاریخی و چه اخلاقی از مهم‌ترین خواست‌های بشر بوده‌اند. در نهایت نظر برلین در مورد آزادی در ذیل اعتقادش به «پلورالیسم» قابل درک است. او مخالف آن عده از فلاسفه از افلاطون تا هگل و مارکس است که معتقد بودند همه ارزش‌های انسانی را می‌توان در قالب یک سیستم اعتقادی جمع کرد. اینکه همه ارزش‌های مقبول طبع انسان باید با هم توافق داشته باشند، در نظر او مردود است. به اعتقاد او آرمان‌هایی مثل عدالت اجتماعی یا برابری سیاسی در مقابل امیال فردی قرار می‌گیرد. تعارض ارزش‌ها از ویژگی‌های عالم انسانی است و رسیدن به همه آن اهداف و آرمان‌ها ممکن نیست و این امر نشان می‌دهد وصول به کمال انسانی که لازمه آن

رسیدن به همه ارزش‌ها است، امری محال است. او ارزش آزادی را در همین اجبار به گزینش از بین مطلوبات متفاوت و متعارض می‌داند. او مانند دیگر متفکران لیبرال میزان آزادی فرد یا گروه و ملت و طبقه را بسته به در نظر گرفتن ارزش‌های دیگری مثل عدالت، امنیت و نظم عمومی تلقی می‌کند؛ زیرا همه این ارزش‌ها مثل آزادی در نهاد انسان دارای مقبولیت است (برلین، ۱۳۹۰).

این مطالعه به طور خاص؛ به توصیف تلقی دو نسل جوان و میانسال از مفهوم آزادی می‌پردازد. مفهومی که در سده اخیر در قالب انقلابات و جنبش‌های اجتماعی ایران در شعارها و متون مختلف تکرار شده است؛ مطالبه‌ای عمومی از سوی انسان عصر مدرن که به اشکال مختلف خود را بازتولید کرده است. ایرانیان از عصر مشروطه با تحدید قدرت با تشکیل مجلس شورای ملی گام مهمی را برای به دست آوردن حقوق و آزادی در ایران برداشتند و از آن روز تاکنون فراز و نشیب‌های مختلفی در فضای سیاسی و اجتماعی وجود داشته است؛ اما دستیابی به آزادی کماکان جزء خواسته‌های ایرانیان است و تحقیقات مختلفی درباره این مفهوم به سرانجام رسیده است (قاسمی و حاجیان‌پور، ۱۴۰۰؛ جنگجوی و کلهر، ۱۳۹۶؛ خواجه‌سروی و نادری، ۱۳۹۲)؛ اما چارچوب اصلی در این پژوهش نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت است. اینگلهارت معتقد است جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی یک فرایند جهانی است؛ به طوری که هر جامعه‌ای که از شرایط بحرانی و ناامنی به سوی یک فضای امن‌تر حرکت می‌کند، جابه‌جایی ارزش‌ها در آن رخ می‌دهد، البته این مهم در سطوح بسیار گسترده‌تر و با تغییر نسل‌ها شکل می‌گیرد، از طرفی برلین دستیابی به آزادی را مهم‌ترین خواسته بشر امروزی می‌داند. همان‌طور که در بخش نظری توضیح داده شد، اینگلهارت در کتابش (۱۳۷۳) به مطالعه تغییرات فرهنگی در جمعیت نسل جدید و مقایسه آن با نسل‌های قدیمی‌تر پرداخته است و گذر جامعه از حیث نسلی را در قالب مفاهیمی مثل مشارکت، اعتماد، شکوفایی اقتصادی، محرومیت، فقر، دینداری و آزادی مورد بررسی قرار داده است. آزادی به عنوان محصول تمدن غرب می‌تواند یک ارزش فرامادی محسوب شود، بنابراین انتظار می‌رود بر پایه نظریه اینگلهارت

تلقی از آزادی، در دو نسل جوان و میانسال متفاوت باشد و براساس نظریه برلین تلقی از آزادی به‌عنوان عنصری مهم در بافت ارزش‌ها و مفاهیمی چون دین و سرمایه اجتماعی جای داشته باشد. همچنین در اندیشه اینگلهارت شکوفایی اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و شکل‌گیری نابرابری اقتصادی به‌عنوان یک متغیر مهم و اثرگذار در تحقیق با عنوان احساس محرومیت وارد شده است. همچنین در اندیشه اینگلهارت در جوامع با ارزش‌های فرامادی مفاهیم اعتماد و مشارکت نقش پررنگ‌تر و هدایت‌گرانه‌ای در جامعه ایفا می‌کنند. این دو مفهوم ذیل شاخص سرمایه اجتماعی در این مقاله مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نهایت بر طبق آرای اینگلهارت با گسترش ارزش‌های فرامادی نقش دین کمرنگ شده و عناصری مانند سرمایه اجتماعی جایگزین می‌گردد. بدین ترتیب سه شاخص سرمایه اجتماعی، دینداری و احساس محرومیت از اندیشه اینگلهارت استخراج شده است تا ضمن بررسی تفاوت‌های احتمالی در دو نسل مورد مطالعه، تأثیرشان بر شاخص آزادی که اندیشه محوری برلین و اینگلهارت است، مورد ارزیابی قرار گیرد. بر همین اساس بر مبنای این چارچوب نظری، مدل نظری و فرضیه‌ها طراحی شدند:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۳.۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، با روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. جامعه آماری نیز کلیه شهروندان ۱۸ تا ۴۹ ساله شهر رشت است که به طور اخص در نسل جوان با محدوده سنی ۱۸-۲۹ ساله و میانسال با محدوده سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله می‌باشند. با توجه به اینکه جمعیت افراد بالای ۱۸ سال حدود ۵۵۰۰۰۰ نفر است، حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۴ تعیین گردید. در پژوهش حاضر، از نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است. شهر رشت دارای پنج منطقه و هر منطقه دارای یازده محله است. در پژوهش حاضر، از هر منطقه چهار محله به‌طور تصادفی انتخاب و داخل هر محله نیز جمع‌آوری داده‌ها در دو نسل صورت پذیرفته است.

۴.۲. فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: به نظر می‌رسد تلقی از آزادی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.
- فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.
- فرضیه سوم: به نظر می‌رسد احساس محرومیت اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.
- فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد میزان دینداری در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.

۵.۲. تعاریف مفاهیم

۵.۲.۱. نسل: از نظر مانهایم^۱ نسل علاوه بر اینکه یک واقعیت زیستی است، دلالت به این امر دارد که یک نسل در مجموعه‌ای از تجارب و احساسات اشتراک دارند؛ مانند نسلی از جوانان آمریکایی که در جوانی جنگ ویتنام و جنبش ضدجنگ را تجربه کرده‌اند (ادنل، ۱۹۸۵: ۳).
در مقاله حاضر نسل جوان گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال و نسل میانسال گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ است.

1. Mannheim

۲.۵.۲. آزادی: از نظر آیزیا برلین آزادی عبارت از فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان است. آزادی در این مفهوم صرفاً حوزهایی است که در آن، شخص می‌تواند بدون اشکال‌تراشی دیگران عمل کند. اگر دیگران مانع از انجام کاری شوند به این معنی که در صورت عدم مداخله آنها می‌توانستیم انجام دهیم، به همان میزان، آزاد نیستیم (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶). در مقاله حاضر از مفهوم طرز تلقی استفاده شده است. مراد از این مفهوم آن است که برداشت فکری نسل‌های مورد مطالعه از آزادی فردی، آزادی جمعی و آزادی رسانه در کشور چگونه است و مفاهیم ذیل برای سنجش استفاده شده است:

انتقاد از حکومت بدون ترس از مجازات و تنبیه، امکان مطرح کردن اندیشه‌های متفاوت در جامعه، حق انتخاب نوع پوشش توسط زنان، امکان تحصیل برای همه گروه‌ها، امکان فعالیت اقوام و مذاهب در سیاست، آزادی اصناف، حق انتخاب افراد برای مناصب مختلف، فقدان سانسور در رسانه‌ها، فقدان فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، سهولت در فعالیت‌های حزبی.

۲.۵.۳. سرمایه اجتماعی: به معنای وجوه گوناگون سازمان اجتماعی برای بهبود کارایی جامعه است. به طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. به همین لحاظ، سرمایه اجتماعی در همه جا حاضر است (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۰).

سرمایه اجتماعی در مقاله حاضر در سه بعد اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است و متغیرهای آن عبارتند از: اعتماد به خویشاوندان، همسایه‌ها، گروه‌های محلی و دوستان، مشورت با والدین و خانواده، در جریان مشکلات همسایگان، دوستان و اقوام بودن، شرکت در مراسم اقوام، دوستان و همسایگان، مشارکت در جلسات و برنامه‌های اجتماعی.

۲.۵.۴. دینداری: دینداری را می‌توان به دو نوع التزام، عینی (رفتاری) و ذهنی (اعتقادی و عاطفی) تقسیم کرد. التزام عینی ارجاع دارد به همه رفتارها و اعمال معطوف به خداوند. التزام ذهنی دربردارنده اعتقاد و یا شناخت از تبیین‌ها و توصیفات تأیید شده توسط یک سازمان دینی

و داشتن عواطف و احساسات مساعد به آن است (استارک و کلارک، ۱۹۷۰: ۱۰۳). دینداری در مقاله حاضر در سه بعد اعتقادی، مناسکی و رفتاری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شاخص‌های مورد سنجش عبارتند از:

اعتقاد به خداوند، پیامبر، فرشتگان، روز قیامت، بهشت و جهنم. به جا آوردن نمازهای یومیه و روزه‌ها، زیارت رفتن و شرکت در نماز جمعه و جماعت. امر به معروف و نهی از منکر، ترجیح آخرت بر دنیا و منع مصرف خوراکی‌های حرام.

۲.۵.۵. محرومیت اجتماعی: محرومیت اجتماعی فرایندی است که در آن افراد از دسترسی به حقوق مختلف، فرصت‌ها و منابعی که به طور معمول در دسترس اعضای دیگر گروه است، منع شده باشند. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۰۱۶). این شاخص هم با متغیرهای ذیل مورد سنجش قرار گرفته است:

رضایت از امکانات زندگی و نحوه اوقات فراغت، احساس امنیت و آرامش، داشتن پول کافی برای رفع نیازها و حمایت از دوستان و آشنایان.

نوع اعتبار ابزار پژوهش، صوری است. پس از بررسی پرسش‌نامه و تأیید اعتبار آن، گویه‌های مورد نظر به منظور سنجش پایایی، در قالب پرسش‌نامه تنظیم و به شکل تصادفی بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد و سرانجام گویه‌های دقیق‌تر انتخاب گردید. ضرایب آلفای متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول ۱- ضرایب آلفا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

متغیرها	ضرایب آلفا
آزادی (فردی، گروهی، رسانه)	۰.۷۶
سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، مشارکت)	۰.۸۵
دینداری (اعتقادی، مناسکی، رفتاری)	۰.۹۲
محرومیت اجتماعی	۰.۷۷

پس از گردآوری داده‌ها به منظور تحلیل آن‌ها ابتدا داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد و بعد از خطایابی و ساختن شاخص‌های مورد نیاز با توجه به نوع فرضیه‌ها و سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های مرتبط استفاده گردید.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. سیمای جامعه آماری

در جدول شماره ۲ توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش نظیر: جنسیت، سن، سطح تحصیلات، سطح درآمد و جایگاه شغلی گزارش شده است.

جدول ۲- سیمای جامعه آماری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جنسیت	۱۷۸ نفر مرد (۸۲ نفر نسل جوان و ۹۶ نفر نسل میانسال) و ۲۰۶ نفر نیز زن (۱۰۵ نفر نسل جوان و ۱۰۱ نفر نسل میانسال)
گروه سنی	۱۸۷ نفر در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال و ۱۹۷ نفر از پاسخگویان در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال
وضعیت تأهل	۱۷۹ نفر مجرد (۱۴۴ نفر نسل جوان و ۳۵ نفر نسل میانسال) و ۲۰۱ نفر نیز متأهل (۴۳ نفر نسل جوان و ۱۵۸ نفر نسل میانسال) می‌باشند.
شغل پاسخگویان	۸۱ نفر دارای شغل آزاد (۳۳ نفر نسل جوان و ۴۸ نفر نسل میانسال)، ۵۴ نفر کارمند (۷ نفر نسل جوان و ۴۷ نفر نسل میانسال)، ۴۵ نفر کارگر (۱۹ نفر نسل جوان و ۲۶ نفر نسل میانسال)، ۴۶ نفر دانشجو (۴۵ نفر نسل جوان و ۱ نفر نسل میانسال)، ۶۱ نفر بیکار (۵۵ نفر نسل جوان و ۶ نفر نسل میانسال)، ۶ نفر بازنشسته (هر ۶ نفر نسل میانسال) و ۸۹ نفر خانه دار (۲۰ نفر نسل جوان و ۶۹ نفر نسل میانسال)
سطح تحصیلات	۱ نفر بی سواد (نسل میانسال)، ۴۴ نفر ابتدایی و راهنمایی (۴ نفر نسل جوان و ۴۰ نفر نسل میانسال)، ۱۶۰ نفر دبیرستان و دیپلم (۸۶ نفر نسل جوان و ۷۴ نفر نسل میانسال)، ۳۸ نفر کاردانی (۲۴ نفر نسل جوان و ۱۴ نفر نسل میانسال)، ۱۰۹ نفر کارشناسی (۶۳ نفر نسل جوان و ۴۶ نفر نسل میانسال) و ۲۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری (۸ نفر نسل جوان و ۱۹ نفر نسل میانسال)

گزارش نرمال یا عدم نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا باید از نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش اطمینان حاصل شود، بدین منظور از کجی و کشیدگی استفاده گردید.

جدول ۳. گزارش نرمالیت

کشیدگی	کجی	متغیرهای پژوهش
.756	.722	تلقی از آزادی
-.903	-.023	احساس محرومیت اجتماعی
1.525	.540	سرمایه اجتماعی
-.589	-.164	دینداری

در بررسی با استفاده از کجی و کشیدگی اگر مقدار کجی و کشیدگی در محدوده $+2$ تا -2 قرار داشته باشد، نمایانگر نرمال بودن متغیر مورد نظر است. با توجه به جدول شماره ۳ و از آنجا که عدد کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در این محدوده قرار دارد، می‌توان از آزمون پارامتریک استفاده کرد.

۲.۳. رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای با آزادی

با توجه به جدول شماره ۴ تفاوت تلقی از آزادی در زنان و مردان معنادار نیست (لازم به توضیح است نمره ۱ پایین‌ترین سطح تلقی از آزادی و نمره ۵ بالاترین سطح تلقی از آزادی در نظر گرفته شده است). تفاوت اندکی بین دو جنس از حیث تلقی از آزادی وجود دارد و میانگین تلقی از آزادی در مردان ۲.۵۷ و در زنان ۲.۶۶ است. تلقی از آزادی در زنان کمی بیشتر از مردان است. تفاوت تلقی از وجود آزادی در افراد مجرد و متأهل معنادار است و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. میانگین تلقی از آزادی در افراد متأهل ۲.۶۸ و در افراد مجرد ۲.۵۴ است. بر این اساس تلقی از آزادی در افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است.

جدول ۴. رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای با تلقی از آزادی

نوع رابطه	آزمون	تلقی از آزادی		متغیرهای زمینه‌ای
		۹۹۲.	t	
وجود تفاوت معنادار	t-test	۰۱۱.	sig	وضعیت تاھل
		۶۶۶.	t	جنسیت
عدم وجود تفاوت معنادار	t-test	۰۸۸.	sig	
		۲.۶۳۰	f	سطح درآمد
وجود تفاوت معنادار	anova	۰۳۴.	sig	
		۳.۵۴۴	f	سطح تحصیلات
وجود تفاوت معنادار	anova	۰۰۴.	sig	

تلقی از آزادی با توجه به سطح تحصیلات افراد متفاوت است و این تفاوت معنادار و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. میزان تلقی از آزادی در افراد بی‌سواد و ابتدایی و راهنمایی بیشتر از سایر سطوح تحصیلی است. تلقی از آزادی با توجه به سطح درآمد افراد متفاوت است و این تفاوت معنادار و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. میزان تلقی از آزادی در گروه درآمدی کمتر از چهار میلیون تومان با میانگین ۲.۷۸ بیشتر از سایر سطوح درآمدی و در گروه درآمدی بیشتر از پانزده میلیون تومان با میانگین ۲.۴۰ کمتر از سایر گروه‌های درآمدی است.

۴.۳. آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد تلقی از آزادی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.

جدول ۵. تفاوت تلقی از آزادی در دو نسل جوان و میانسال

خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	آزادی
.043	.575	2.60	نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)
.034	.481	2.63	نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)

بنا بر اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵، تفاوتی بین دو نسل از حیث تلقی از آزادی وجود ندارد و میانگین تلقی از آزادی در نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال) ۲.۶۰ و در نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال) ۲.۶۳ است.

جدول ۶. نتایج آزمون t-test

آزادی					
تفاوت میانگین	sig	مقدار t	sig	مقدار F	آزمون t-test
-0.0288	.601	-.524	.035	4.492	با فرض برابری واریانس
-0.0288	.604	-.519			با فرض نابرابری واریانس

با توجه به سطح معناداری آزمون t-test (۰.۶۰۴)، تفاوت تلقی از آزادی در دو نسل جوان و میانسال معنادار نیست.

جدول ۷. تفاوت تلقی از آزادی فردی، جمعی و رسانه در دو نسل جوان و میانسال

آزادی فردی			
خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	نسل
.054	.739	2.73	نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)
.049	.688	2.82	نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)
آزادی جمعی			
خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	نسل
.047	.643	2.98	نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)
.043	.613	3.12	نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)
آزادی رسانه و مطبوعات			
خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	نسل
.059	.792	2.10	نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)
.043	.611	1.96	نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)

میانگین تلقی از آزادی فردی در نسل جوان ۲.۷۳ و در نسل میانسال ۲.۸۲ است. میانگین تلقی از آزادی جمعی در نسل جوان ۲.۹۸ و در نسل میانسال ۳.۱۲ است. میانگین تلقی از آزادی

رسانه و مطبوعات در نسل جوان ۲۰۱۰ و در نسل میانسال ۱۰۹۶ است. براین اساس تفاوت‌های اندکی در دو نسل وجود دارد. تلقی از آزادی فردی در نسل میانسال کمی بیشتر از نسل جوان است. همچنین تلقی از آزادی جمعی در نسل میانسال با میانگین ۳۰۱۲ از نسل جوان با میانگین ۲۰۹۸ بیشتر است؛ اما تلقی از آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در نسل جوان بیشتر از نسل میانسال است. در ادامه برای بررسی معناداری این تفاوت‌ها به آزمون t-test رجوع می‌کنیم.

جدول ۸. نتایج آزمون t-test

آزادی فردی					
تفاوت میانگین	sig	مقدار t	sig	مقدار F	آزمون t-test
-0.0878	.231	-1.199	.219	1.514	با فرض برابری واریانس
-0.0878	.232	-1.196			با فرض نابرابری واریانس
آزادی جمعی					
تفاوت میانگین	sig	مقدار t	sig	مقدار F	آزمون t-test
-0.1418	.028	-2.206	.387	.751	با فرض برابری واریانس
-0.1418	.028	-2.203			با فرض نابرابری واریانس
آزادی رسانه و مطبوعات					
تفاوت میانگین	sig	مقدار t	sig	مقدار F	آزمون t-test
.1370	.061	1.882	.005	8.126	با فرض برابری واریانس
.1370	.064	1.859			با فرض نابرابری واریانس

با توجه به سطح معناداری آزمون t-test تفاوت تلقی از آزادی فردی در دو نسل جوان و میانسال معنادار نیست (۰.۲۳۱). تفاوت تلقی از آزادی رسانه و مطبوعات در دو نسل جوان و میانسال معنادار نیست (۰.۰۶۴)؛ اما تفاوت تلقی از وجود آزادی جمعی در دو نسل جوان و میانسال معنادار است (۰.۰۲۸) و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.

جدول ۹. تفاوت سرمایه اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال

سرمایه اجتماعی			
نسل	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)	3.07	.671	.050
نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)	3.09	.607	.043

با توجه به جدول شماره ۹ میانگین سرمایه اجتماعی در نسل جوان ۳.۰۷ و در نسل میانسال ۳.۰۹ است. بر این اساس میزان سرمایه اجتماعی در دو نسل تفاوتی ندارد.

جدول ۱۰. نتیجه آزمون t-test

سرمایه اجتماعی					
آزمون t-test	مقدار F	sig	مقدار t	sig	تفاوت میانگین
با فرض برابری واریانس	.15	.69	-.30	.761	-.020
با فرض نابرابری واریانس					-.020

با توجه به سطح معناداری آزمون t-test مندرج در جدول شماره ۱۰ تفاوت سرمایه اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال معنادار نیست (۰.۷۶۱) و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد. فرضیه سوم: به نظر می‌رسد احساس محرومیت اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.

جدول ۱۱. تفاوت احساس محرومیت اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال

احساس محرومیت اجتماعی			
نسل	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)	3.08	.787	.059
نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)	3.21	.843	.060

با توجه به جدول شماره ۱۱ میانگین احساس محرومیت اجتماعی در نسل جوان ۳.۰۸ و در نسل میانسال ۳.۲۱ است و احساس محرومیت اجتماعی در نسل میانسال اندکی بیشتر از نسل جوان است.

جدول ۱۲. نتیجه آزمون t-test

احساس محرومیت اجتماعی					
تفاوت میانگین	sig	مقدار t	sig	مقدار F	آزمون t-test
-0.134	.113	-1.58	.26	1.24	با فرض برابری واریانس
-0.134	.112	-1.59			با فرض نابرابری واریانس

با توجه به سطح معناداری آزمون t-test مندرج در جدول شماره ۱۲ تفاوت احساس محرومیت اجتماعی در دو نسل جوان و میانسال معنادار نیست (۰.۱۱۳) و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد میزان دینداری در دو نسل جوان و میانسال متفاوت است.

جدول ۱۳. تفاوت میزان دینداری در دو نسل جوان و میانسال

دینداری			
خطای میانگین	انحراف معیار	میانگین	نسل
.057	.776	3.13	نسل جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)
.049	.694	3.55	نسل میانسال (۴۰ تا ۴۹ سال)

با توجه به جدول شماره ۱۳ میانگین دینداری در نسل جوان ۳.۱۳ و در نسل میانسال ۳.۵۵ است. براین اساس میزان دینداری در نسل میانسال بیشتر از نسل جوان است.

جدول ۱۴. نتیجه آزمون t-test

دینداری					
تفاوت میانگین	sig	مقدار t	sig	مقدار F	آزمون t-test
-0.420	.000	-5.54	.11	2.55	با فرض برابری واریانس
-0.420	.000	-5.51			با فرض نابرابری واریانس

با توجه به سطح معناداری آزمون t-test مندرج در جدول شماره ۱۴ تفاوت دینداری در دو نسل جوان و میانسال معنادار است (۰.۰۰۰) و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

۵.۳. رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای پیش‌بین (احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری) بر متغیر ملاک (تلقی از آزادی)

جدول شماره ۱۵ نشان می‌دهد تأثیر احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری بر تلقی از آزادی معنادار است.

جدول ۱۵. ضریب تعیین و خطی بودن رگرسیون

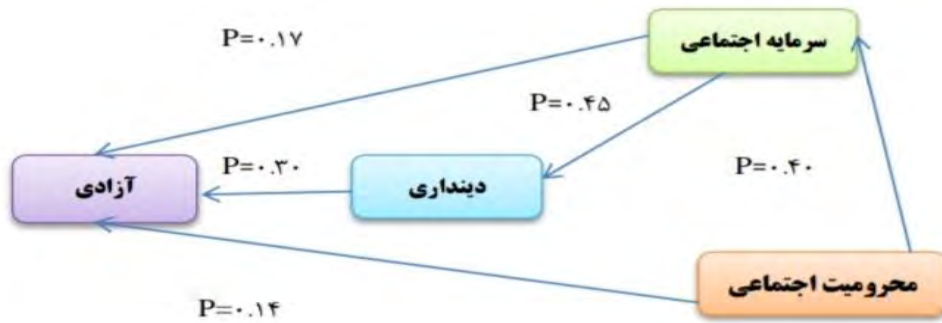
خطا	ضریب تعیین		R	Method Enter
	.240		.490	
sig	مقدار	میانگین	مجموع	Model
.000	36.091	7.766	23.299	رگرسیون
		.215	73.810	باقیمانده
			97.109	مجموع

براساس مقدار Beta مندرج در جدول شماره ۱۶ متغیرهای پیش‌بین ۲۴ درصد از تغییرات تلقی از آزادی را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۶. میزان تأثیر

معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		تلقی از آزادی
		مقدار Beta	خطا	مقدار B	
.000	8.015	—	.146	1.166	عرض از مبدا
.002	3.122	.177	.047	.148	سرمایه اجتماعی
.000	5.713	.306	.037	.214	دینداری
.005	2.833	.146	.033	.094	محرومیت اجتماعی

براساس تحلیل مسیر انجام شده میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری بر تلقی از آزادی در قالب مدل مفهومی نمایان است:



شکل ۲. اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری بر تلقی از آزادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۷ نشان‌دهنده اثرات مستقیم و غیرمستقیم احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و دینداری بر تلقی از آزادی است. بر این اساس دینداری بیشترین اثر مستقیم (۰.۳۰) را بر تلقی از آزادی دارد. یعنی اثر دینداری بدون وجود میانجی بر وجود آزادی در ایران. همچنین احساس محرومیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (با میانجی بودن دینداری) دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر تلقی از آزادی است. به عبارتی هر چقدر نمره دینداری پاسخگویان بالاتر می‌رود، برداشتشان از وجود آزادی در ایران مثبت‌تر است و آنهایی که میانگین پایین‌تری در میزان دینداری به دست آورده‌اند، تلقی‌شان این است که آزادی کمتری در کشور وجود دارد.

جدول ۱۷. میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم

میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم			
اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	آزادی
۰.۳۰	-----	۰.۳۰	دینداری
۰.۳۰۵	۰.۱۳۵	۰.۱۷	سرمایه اجتماعی
۰.۲۶۲	۰.۰۵۴ و ۰.۰۶۸	۰.۱۴	محرومیت اجتماعی

۴. نتیجه گیری

آزادی یکی از مهم‌ترین تمایلات و خواسته‌های بشر امروزی است و انسان‌های فراوانی برای تحقق آن از زندگی خویش گذشته‌اند. نتایج به دست آمده نشان داد که مجردها، افراد با درآمدهای بالاتر و افراد تحصیل کرده‌تر بیان می‌کنند که در جامعه از آزادی کمتری برخوردارند. در ضمن هر دو نسل میانگین نمره آزادی‌شان در حد متوسط است؛ هر چند میانگین میانسالان کمی بیشتر از جوانان است. در آزادی فردی و جمعی میانگین میانسالان بیشتر از جوانان است. نکته دیگر آنکه میانگین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و احساس محرومیت اجتماعی هر دو نسل در حد متوسط بوده و فقط میانگین دینداری میانسالان بالاتر از حد متوسط است. از نظر اثرگذاری هم به ترتیب دینداری، سرمایه اجتماعی و احساس محرومیت اجتماعی در طرز تلقی پاسخگویان اثرگذار بوده است. همان‌طور که در بخش نظری بیان شد از نظر آیزایا برلین با آزادی منفی (سلبی) است که افراد می‌توانند بدون دخالت دیگران دست به عمل بزنند. در نظریه دیگر مورد استفاده مقاله، اینگلهارت معتقد است که تغییرات در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به یکدیگر مرتبط‌اند. در تئوری جابه‌جایی ارزش‌های اینگلهارت، محوریت ابعاد عینی مدرنیته مبتنی بر این گزاره است؛ هر چقدر جامعه به سمت صنعتی شدن حرکت کرده و سطح آموزش و تحصیلات بالاتر رفته قوای جسمانی و مؤلفه‌های پیشامدرن تعیین‌کننده جایگاه افراد نخواهد بود. نتایج مقاله نشان می‌دهد با افزایش تحصیلات و حضور اجتماعی زنان و جوانان، تقاضای آزادی یکی از خواسته‌های جدی آنان محسوب می‌شود. نتایج تطبیقی نشان داد که هر دو نسل علیرغم تفاوت عصری معتقدند که از آزادی کمی برخوردارند، به عبارتی با خروج از بحران‌های جنگ و انقلاب جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به یک معنا با تغییر سطح جامعه و اولویت یافتن ارزش‌های اجتماعی و فرامادی در جامعه شکل گرفته است. در این جا هر دو نسل به یک ارزش فرامادی یعنی آزادی رویکردی نزدیک دارند. هر چند براساس نظر اینگلهارت مشخص شد که تحصیل‌کردگان اذعان داشته‌اند که از آزادی کمتری برخوردارند، البته در بخش درآمدی هم کمتر برخورداران آزادی بیشتری احساس می‌کنند. تغییرات گسترده در نسل جوان و جابه‌جایی

آن‌ها با نسل‌های گذشته مطالبات جدیدتر و متنوع‌تری پیش روی سیاستگذاران قرار می‌دهد. البته یافته‌ها نشان داد که در طرز تلقی دو نسل جوان و میانسال نسبت به آزادی در ایران تفاوت جدی دیده نمی‌شود و همچنین پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی ناشی از پایان یافتن جنگ انتظار می‌رفت بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی حاصل شود؛ اما در مطالعه حاضر چنین مرزبندی پرننگی دیده نشد، البته شاخص‌های دیگری همچون دینداری بر متغیر دینداری بر متغیر وابسته اثرگذار بوده است، چنانکه نتایج نشان داد افرادی که میانگین دینداری‌شان بالاتر بوده خصوصاً در نسل میانسال احساس آزادی بیشتری در جامعه دارند. همچنین شاخص دیگری که امکان تحلیل بهتری در اختیار ما قرار می‌دهد احساس محرومیت اجتماعی است. نمره این شاخص بالاتر از حد میانگین در هر دو نسل است و آنان بیان کرده‌اند از وجود امکانات و خواسته‌های زندگی محروم هستند و شکاف‌های طبقاتی هر دو نسل را به خود درگیر کرده است. به بیان دیگر می‌توان اذعان کرد، ارزش‌ها با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کاملاً مرتبط است و زمینه‌های موجود در جامعه ایرانی با مطالعات سایر کشورها خصوصاً غرب متفاوت است. هر چند یافته‌ها نشان داد که هم‌راستا با تحقیقات آزاده و همکاران (۱۴۰۰) بوده و تحصیلات، متغیر بسیار مهمی در ایجاد تفاوت نسلی است. همچنین با مقاله رهبر و همکاران (۱۳۹۹) در اینکه هر دو نسل علیرغم تفاوت‌هایشان بر مطالبه آزادی تأکید دارند، بسیار نزدیک است و بالاخره آنکه با نتایج پژوهش طالبان و همکاران (۱۳۹۶) همسویی دارد. البته پاسخگویان هر دو نسل نشان دادند که از آزادی منفی در حد نمره میانگین برخوردارند؛ آزادی که بدون اجازه و دخالت دیگران وجود داشته باشد، به نوعی انسان‌مختار باشد و مانعی جلوی شکل‌نگیرد. به هر صورت داده‌ها نشان داد که آزادی سوژه هر دو نسل با تفاوت تجربیات است. مفهومی که حداقل در دو‌یست سال اخیر دغدغه جدی متفکران سیاسی و اجتماعی بوده و علیرغم تحولات سده اخیر دست‌یابی به آن هنوز محقق نشده است.

کتابنامه

۱. آزاده، ا؛ نوابخش، م؛ و حقیقتیان، م. (۱۴۰۰). بررسی تفاوت‌های سه نسل انقلاب اسلامی نسبت به ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۵۳، ۹-۳۱.
۲. آزادارمکی، ت. (۱۳۸۳). طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی. *نامه پژوهش فرهنگی*، ۱۰، ۱-۱۶.
۳. آوتویت، ب. ت. (۱۳۹۲). *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیست*. (ح. چاووشیان، مترجم). تهران: نشر نی.
۴. اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. (م. وتر، مترجم). تهران: کویر.
۵. اینگلهارت، ر؛ و ابرامسون پ. آ. (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. (ش. شفیع‌خانی، مترجم). *نامه پژوهش*، (۱۴ و ۱۵)، ۵۹-۱۰۶.
۶. برلین، آ. (۱۳۹۰). *فلسفه، جامعه و سیاست*. (ع. ا. فولادوند، مترجم). تهران: ماهی.
۷. برلین، آ. (۱۳۶۸). *چهار مقاله درباره آزادی*. چاپ اول، (م. ع. موحد، مترجم). تهران: خوارزمی.
۸. بشیریه، ح. (۱۳۸۶). *لیبرالیسم و محافظه کاری*. چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
۹. بویبو، ن. (۱۳۷۶). *لیبرالیسم و دموکراسی*. (ب. گلستان، مترجم). تهران: نشر چشمه.
۱۰. جاویدی، ا؛ احمدی، ح؛ و رجبی، م. (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکاف نسلی: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۲، ۱-۳۲.
۱۱. جنگجوی، ف؛ و کلهر، ح. (۱۳۹۶). تحلیل آزادی تجمعات و نظاهرات در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی. *مجله تحقیقات حقوق شهروندی*، ۲، ۱۰۷-۱۳۰.
۱۲. خواجه‌سروی، غ. ر؛ و نادری، م. (۱۳۹۲). آزادی در گفتمان فقه‌های انقلاب اسلامی ایران. *مجله جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۲، ۲۷-۵۵.
۱۳. رهبر، ع؛ خرمشاد، م؛ آدمی، ع؛ و والی، ع. (۱۳۹۹). تبیین تفاوت‌های نسلی در جامعه امروز ایران بر پایه ارزش‌های هویتی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۱، ۴۷-۶۵.
۱۴. زهیری، ع. (۱۳۹۸). گذرنسلی در تجربه جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۲۸، ۹۵-۱۱۷.

۱۵. سریع‌القلم، م. (۱۳۹۹). *اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی*. تهران: گاندی.
۱۶. سریع‌القلم، م. (۱۴۰۲). *اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجاریه*. تهران: فروزان‌روز.
۱۷. طالبان، م؛ عسکری، ا؛ و طالبان، ح. (۱۳۹۶). نگرش به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی: شکاف یا تفاوت نسلی. *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، ۱۲، ۱۱۳-۱۳۷.
۱۷. علمی، ز؛ شارع‌پور، م؛ و حسینی، س. ا. ح. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۷۱، ۲۳۹-۲۹۶.
۱۸. قاسمی‌حیدری، ف؛ و حاجیان‌پور، ح. (۱۴۰۰). مفهوم آزادی و کاربرد آن در گفتمان روشنفکران عصر مشروطه در ایران. *مجله پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف اسلامی*، ۱، ۵۲-۷۰.
۱۹. کاظمی‌پور، ع. م. (۱۳۸۷). *نسل ایکس؛ بررسی جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی*. تهران: نی.
۲۰. کنستان، ب. (۱۳۸۸). *شور آزادی*. (ع. احمدی، مترجم). تهران: آگه.
۲۱. گیدنز، آ. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. (ح. چاووشیان، مترجم). تهران: نی.
۲۲. لیدمان، س. ا. (۱۳۸۴). *سبکی فکر، سنگین واقعیت درباره آزادی*. (س. مقدم، مترجم). تهران: اختران.
۲۳. مهتا، و. (۱۳۶۹). *فیلسوفان و مورخان*. (ع. فولادوند، مترجم). تهران: خوارزمی.
۲۴. یوسفی، ن. (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل‌ها*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
26. Breskaya, O., Francis, L. J., & Giordan, G. (2020). Perceptions of the Functions of Religion and Attitude toward Religious Freedom: Introducing the New Indices of the Functions of Religion (NIFoR). *Religions*, 11(10), 507.
27. Amin, H. (2002). Freedom as a Value in Arab Media: Perceptions and Attitudes Among Journalists, *Political Communication*, 19:2, 125-135.
28. McKenna, U., & Francis, L. J. (2017). Muslim attitude toward freedom of religious clothing and symbols in schools within the UK: The effect of religious and theological factors. *Religione e Società*, 32 (87). 50-58.
29. donnell, M. (1985). *Age and Generation*. London: Tavistock Publications.

30. Schihalejev, O. (2013). Religious Education Influencing Students' Attitudes: A Threat to Freedom?, *Religion & Education*, 40:1, 20-34, DOI: 10.1080/15507394.2013.745366.
31. Stark, R., & Glock, Ch. (1970). *American piety: The Nature of Religious Commiment*. USA: University of California.

